سفیر غدیر

مرکز مقاومت بسیج ائمه(ع)
جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

سفیر غدیر

نویسنده:

عبدالحسین طالعی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سفیر غدیر

مشخصات کتاب

سرشناسه : طالعی، عبدالحسن،۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور : سفیر غدیر/ مولف عبدالحسن طالعی؛ [به سفارش] معاونت عقیدتی سازمان بسیج فرهنگیان تهران بزرگ .

مشخصات نشر : تهران: نبأ ، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : [۴۸] ص.؛ ۵/۱۲×۲۰ س م.

شابک : ۲۵۰۰ ریال : ۹۶۴-۸۳۲۳-۳۷-۲ ؛ ۶۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری(فاپا)

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۶.

یادداشت : کتابنامه بصورت زیرنویس.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۰۰-۶۶۱ -- Proof of caliphate*

موضوع : غدیر خم

شناسه افزوده : سازمان بسیج فرهنگیان. معاونت عقیدتی

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵۴/ط۱۳س ۷ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۳۴۱۲۲

ص:۱

اشاره

سفیــر غدیــر

س_فی_ر غ_دی_ر

مؤلف : عبدالحسن طالعی / حروفچینی : انتشارات نبأ/ چاپ : الوان

صحافی:جلوه/چاپ اول۱۳۸۴:/چاپ دوم۱۳۸۶:/چاپ سوم ۱۳۸۸:

شم_ارگ_ان : ۶۰۰۰ نسخ_ه / قی_م_ت : ۸۰۰۰ ری_ال / ک_د : ۱۰۹ / ۱۸۴

ناشر : انتشارات نبأ / تهران، خیابان شریعتی، روبروی مل_ک، خیاب_ان شبست_ری، خیاب_ان ادیب_ی شماره ۲۶ تلفکس : ۷۷۵۰۶۶۰۲ _ ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک : ۲ _ ۳۷ _ ۸۳۲۳ _ ۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۸۳۲۳-۳۷-۲

ص:۲

*سفیــر غــدیــر

پیشگفتار

بسم اللّه الرحمن الرحیم

پیامبر اکرم در بخشی از خطبه ی تاریخیِ غدیر فرمود:

من، آن چه را که درباره ی ولایت علی باید به شما می رساندم، رساندم.

حاضران، باید این پیام را به آیندگان باز گویند.

پدران به فرزندان بگویند که در غدیر چه شد.

این رسالت تا روز قیامت به دوش مؤمنان سنگینی می کند.

ص:۳

من ام بنده ی اهل بیت نبیّ***ستاینده ی خاکِ پایِ وصیّ

خود آن روز نامم به گیتی مباد***که من نام حیدر نیارم به یاد

بر این زادم و هم بر این بگذرم***یقین دان که خاک پیِ حیدرم.

نباشد جز از بی پدر دشمنش***که یزدان به آتش بسوزد تنش

حکیم ابوالقاسم فردوسی

مِدحَت کن و بستای کسی را که پیمبر ***بستود و ثنا گفت و بدو داد همه کار

حکیم سنایی غزنوی

دوست عزیز سلام و عید غدیر مبارک!

خدای را سپاس که ما را از کسانی قرار داده است که به ریسمان استوار و نجات بخش ولایت علوی چنگ زده ایم.

نعمت ولایت علی علیه السلام گوهر گران بهایی است که خداوند آن را به ما ارزانی فرموده است. برای قدردانی از این نعمت و پاسداری از این موهبت، معرفت و آگاهی لازم است. تا زمانی که ندانیم خداوند چه منّت عظیمی بر ما نهاده و ما را به وادی هدایت رهنمون ساخته است، قدر و قیمت این گوهر پربها را نخواهیم شناخت.

بار دیگر خدای را می ستاییم و می گوییم:

حمد و سپاس بی کران از آن خداوند که ما را به وادی ولایت هدایت فرمود و اگر خداوند چنین لطفی نمی فرمود ما هرگز راه راست را نمی یافتیم.

رحمت بی شمار به روان پاک گذشتگانی که دل و جان

ص:۵

ما را با زلال غدیر سیراب ساختند و روح و روانمان را با جَلای پر جلال امامت از زنگار جهالت زدودند و درود فراوان به نخستین آنها جناب سلمان فارسی که ما ایرانیان را با نعمت ولایت آشنا کرد و قلبهامان را با عشق علی و فرزندانش پیوندی جاودانه زد. این سعادت از آن زمان آغاز گردید که پیامبر خدا دست بر شانه ی سلمان نهاد و فرمود:

اگر دین خدا در ثریا هم باشد مردانی از ایشان (ایرانیان) به آن دست می یابند. (۱)

شخصیّت شگفت انگیز حضرت علی علیه السلام به گونه ای است که در طول تاریخ اسلام نظر همه را به خود جلب کرده است. او، علاوه بر آن که نخستین مسلمان و پسر عمو و داماد و جانشین پیامبر اکرم بود، چهره ای درخشان و حیرت برانگیز در تاریخ داشته است. ویژگی هایی که نظیر و مانند آن را در هیچ کس نمی توان سراغ گرفت. مانند:

ـ شجاعت و دلاوری در عین فروتنی و افتادگی

۱- تفسیر الدرالمنثور ۱۰ : ۴۲۹. این تفسیر یکی از معروف ترینتفسیرهای اهل سنّت است.

ــ علم و دانش هم راه با حلم و بردباری،

ــ جوان مردی و گذشت در اوج قدرت و توانایی،

ــ بخشش و دهندگی در نهایت فقر و نیازمندی،

ــ پیشوایی و زمام داری در کمال زهد و پارسایی،

ــ صبر و شکیبایی در برابر ستم و نادانی.

از همین رو علی علیه السلام سرمشق و اسوه ی بسیاری از گروه ها بوده است :

ــ پهلوانان و رزم آوران، آن حضرت را نمونه ی کامل پهلوانی و قهرمانی می دانند.

ــ زمام داران و دولت مردان، اگر از عدل و دادگری سخــن بــه میان بیایــد، از حکومت عدل علوی یاد می کنند.

ــ دانشمندان و خردمندان، با استناد به سخنان و استفاده از بیانات حضرت علی سخن متقن و متین می گویند.

ــ نویسندگان و سخنوران، در نوشته ها و گفته های خود، «نهج البلاغه» را میزان و معیار می دانند.

ــ نیازمندان و تهی دستان، از زندگی زاهدانه ی اوست که

آرامش می یابند و پاکی و وارستگی می آموزند.

_ عابدان و سالکان، در سلوک راه خدا و عبادت، او را نمونه ی بی نظیر بندگیِ خدا می شمارند.

ما ایرانیان از دیرباز دوستدار و دنباله رو علی علیه السلام بوده ایم.

سر بر آسمان می ساییم که چنین سعادتی نصیب ما شده است.

بر فلک می نازیم که در سرتاسر گیتی، فقط کشور و مملکت ما آن شرافت را یافته است تا مذهب رسمی اش «شیعه ی دوازده امامی» باشد.

بر جنّ و مَلَک مباهات می کنیم که با دل و جان، پاسدار آیین علوی هستیم.

بر عالم و آدم فخر می فروشیم که در پی و پس از قرآن، نهج البلاغه را داریم.

به خود می بالیم و گلبانگ سربلندی سر می دهیم و در اذانمان «أشهد أن عليّاً وليّ الله» می گوییم.

خدای را بر این سعادت سپاس می گزاریم و شکرانه ی این نعمت را آن می دانیم که هر چه بیش تر و فزونتر با آموزه های پیشوای پرهیزگاران و امیر مؤمنان حضرت

علی علیه السلام آشنا شویم و از آن پس، با به کارگیری آن آموزه ها، همای سعادت در آغوش گیریم و رستگاری در دنیا و آخرت را ره آورد این پیروی بدانیم.

پیامبر در روزهای پایانی عمر شریفش بارها فرمود:

«هان ای مردم! من به زودی از میان شما رخت برمی بندم و به سرای باقی می شتابم. آگاه باشید که من دو چیز گران بها در میان شما به امانت می گذارم : کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم.

هان ای مردم! تا زمانی که به آن دو ـ هر دو باهم ـ چنگ بزنید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد.

بدانید که آن دو هیچ گاه از یک دیگر جدا نمی شوند تا آن که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند»

ما سرافرازیم که وصیّت پیامبر خدا را در پیروی از قرآن و عترت به گوش جان شنیده ایم و در دشوارترین آزمون خدا، یعنی امتحان امامت و ولایت، پیروز گشته ایم. آری ما شکرگزار نعمت ولایت هستیم و به خواست خدای منّان، تا پای جان، در این راه، استوار و سرافراز، می مانیم.

« معاونت عقیدتی سازمان بسیج فرهنگیان تهران بزرگ »مفتخر است به مناسب ایام مبارک غدیر، در راستای بزرگداشت این «عید بزرگ خدا» گامی کوچک برداشته است.

«سفیر غدیر» یادآور حادثه ای است که سرنوشت اسلام و بلکه بشریّت را رقم زد. با «سفیر غدیر» هم سفر شوید.

یا علی!

معاونت عقیدتی سازمان بسیج

فرهنگیان تهران بزرگ

پیشینه ی تاریخیِ غدیر

پشتیبان پیامبر

سه سال از بعثت پیامبر می گـذشت. علی علیه السـلام و حضـرت خدیجه ــ همسـر پیامبر ــ نخستین کسانی بودند که در آغاز بعثت به آن حضـرت ایمان آوردنـد. پیش از بعثت نیز، نشانه های نبوت را به روشـنی در او می دیدنـد. پس از سه سال دعوت پنهانی، پیامبر به دسـتور خداوند، دعوتش را آشکار کرد. برای این کار، نخست خویشاوندان نزدیکش را فرا خواند و ایشان را ــ که در حدود چهل نفر بودند ــ در یک مراسم میهمانی، صمیمانه و دلسوزانه، به اسلام دعوت کرد و چنین فرمود:

ای فرزنـدان عبـدالمطّلب! به خـدا سوگنـد در میان عرب هیـچ کس را نمی شـناسم که بهتر از آن چه من برای شـما آورده ام، آورده باشد. سعادت دنیا و آخرت را برایتان آورده ام. خداوند به من دستور داده است تا

ص:۱۱

شما را به آن چه خیر دنیا و آخرت در آن است فراخوانم.

هر کـدام از شـما که هم اینـک به دعوت من پاسـخ مثبت دهـد و مرا در کار پیامبری پشتیبان و یاور شود، همو، برادر، وصـیّ، وزیر و جانشین من خواهد بود.

پس از پایان سـخنان پیامبر، همگیِ حاضران سکوت کردند. کسی چیزی نگفت. حضرت علی که در آن زمان نوجوانی سیزده ساله بود، شجاعانه برخاست و مردانه چنین گفت:

ای پیامبر خدا! در آن چه برایش برانگیخته شده ای، من، یاور و پشتیبان تو خواهم بود.

رسول خدا که این سخن را شنید، شادمانه دست او را گرفت و فرمود:

إنَّ هذا أخی وَ وَصِیّی وَ وَزیری وَ خَلیفَتی فیکُمْ. فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أطیعُوا.

این علی، برادر و وصیّ و وزیر و جانشین من در میان شماست. به سخن او گوش فرا دهید و از وی فرمان ببرید.

این کـار پیـامبر برای حاضـران بسـی عجیب می نمود. پیـامبری که تـازه دعوتش را آشـکار کرده و با بی اعتنایِی خویشاونـدان نزدیک و بزرگان قوم قریش مواجه گشـته است و بی تردید با مخالفت آشـکار آن ها نیز روبرو خواهد شد،برای خود جانشین هم انتخاب می کند؟

از این رو از جـای برخاسـتند و بـا خنـده و تمسـخر به حضـرت ابوطـالب _ که ایمانش را به پیامبر از دیگران پنهان می کرد _ گفتند:

می شنوی ابوطالب! برادرزاده ات محمد به تو دستور می دهد تا از کودک سیزده ساله ات اطاعت کنی.

وقوع این حـادثه ی شـگفت انگیز از چنـان قطعیّت و اهمیتی برخوردار است که دانشـمندان شـیعه و سـنی آن را در کتاب های خویش نقـل کرده انـد. بزرگترین و اسـتوارترین دلیل ما بر درستی راه و اعتقادمان آن است که دیگران نیز همان را می گویند که ما می گوییم. اما نمی دانیم چرا همان راه را نمی رونـد که ما می رویم. برخی مـدارک متفق در درستی این داسـتان را می آوریم:

ص:۱۳

الف: منابع و مآخذ شیعی

۱ ــ تفسیر علی بن ابراهیم قمّی جلد ۲ صفحه ی ۱۰۰

۲ ــ تفسیر تبیان ــ شیخ طوسی ــ جلد ۸ صفحه ی ۶۷

۳ ــ تفسیــر مجمــع البیان ــ شیــخ طبــرسی ــ جلــد ۷ صفحه ی ۳۲۳

۴ ــ تفسیر فرات کوفی صفحه ی ۳۰۰ تا ۳۰۴

ب: مدارک و مآخذ سنّی

۱ ــ شواهد التنزیل جلد ۱ صفحه ی ۴۲۱

۲ ــ شرح نهج البلاغه ــ ابن ابی الحدید ــ جلد ۱۳ صفحه ی ۲۱۹

۳ ــ تفسیر ابن کثیر جلد ۳ صفحه ی ۴۶۴

۴ ــ تفسیــر الــدر المنثــور ــ عبــدالــرحمن سیــوطی ــ جلد ۶ صفحه ی ۳۲۸

۵ ــ الکامــل فــی التاریــخ ــ ابــن اثیــر ــ جلد ۲ صفحه ی ۶۲

۶ ــ تاریخ طبری جلد ۲ صفحه ی ۳۲۱

۷ ــ تفسیر طبری ذیل آیه ی ۲۱۴ سوره ی شعرا

۸ ــ مسند احمد حنبل جلد ۱ صفحه ی ۲۳۶ حدیث ۸۸۳

برادر پیامبر

یکی از حربه های حیله گرانه، ایجاد اختلاف میان مسلمانان است. منافقان و نیز یهودیان، می کوشیدند آتش کینه و دشمنی را در دل تازه مسلمانان بیفروزند. چند ماه از آمدن پیامبر به مدینه نگذشته بود که آن حضرت، برای مقابله با این توطئه، یک روز همه ی مسلمانان را فرا خواند تا در مسجد جمع شوند. آن گاه به ایشان فرمود:

خداوند فرموده است:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ (۱)

مؤمنان با یکدیگر برادرند.

من امروز می خواهم به این سخن آسمانی جامه ی عمل بپوشانم. از این رو، میان شما مسلمانان ــ مهاجر و انصار ــ دو به دو پیمان برادری می بندم.

ص:۱۵

۱- حجرات / ۱۰

آن گاه پیامبر دو به دو میان مهاجر و انصار پیمان برادری استوار ساخت. آن حضرت با این اقدام خردمندانه، منافقان را ناامید کرد و راه را برای ایجاد اختلاف، بربست. اما در آن ماجرا میان علی علیه السلام و کسی از مهاجرین و یا انصار، پیمانی برقرار نفرمود. خودش را هم با کسی برادر نخواند.

علی علیه السلام به پیامبر عرض کرد:

پدر و مادرم فدای شما! میان من و هیچ یک از مسلمانان پیمان برادری نبستی؟

رسول اکرم با شادی و خوش رویی فرمود:

علی جان! از آن رو میان تو و کسی عقد برادری نبستم که تو را برای خود بگذارم. آیا نمی خواهی برادر من باشی و من هم برادر تو؟

آن گاه در پیِ این سخنان شعف انگیز فرمود:

تو وصیّ و وزیر و جانشین من در میان امّتم هستی.

اگر به کسی وعده ای داده باشم، وعده ی مرا تو به انجام می رسانی. کس دیگری جز تو شایسته نیست تا غسل مرا به عهده بگیرد.

ص:۱۶

و در پایان افزود:

أنْتَ مِنّی بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ موسی إلّا أنَّه لانَبِیَّ بَعْدی.

مقام و منزلت تو به من، مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است. جز آن که پس از من پیامبری نخواهد آمد.

این داستان جالب نیز علاوه بر آن که در کتابهای شیعه به تفصیل آمده است، در مدارک اهل سنت نیز ذکر شده است:

* در کتاب شریف بحارالانوار جلد ۳۸ از صفحه ی ۳۳۰ تا صفحه ی ۳۳۴ روایات فراوانی از کتابهای مختلف در این باره نقل شده است.

* اهل سنّت نیز به تفاوت این ماجرا را آورده اند:

_ صحیح ترمذی جلد ۵ صفحه ی ۶۳۶ حدیث ۳۷۲۰

_ طبقات _ ابن سعد _ جلد ۱ صفحه ی ۱۶

_ تاریخ خلفا _ سیوطی _ صفحه ی ۱۷۰

_ شرح نهج البلاغه _ ابن ابی الحدید _ جلد ۶ صفحه ۱۶۷ و جلد ۱۸ صفحه ی ۲۴

مثل پیامبر

ساختن مسجد از نخستین اقدام های رسول خدا در آغازین روزهای هجرت به مدینه بود. آن حضرت، پس از ساختن مسجد، دری از منزل به مسجد گشود تا از آن در رفت و آمد کند.

سایر مسلمانان نیز به پیروی از پیامبر چنین کردند و ای کاش در تمام موارد پا به پای پیامبر پیش می رفتند و تسلیم محض بودند. و امّا آفتِ این کار برای مردم عادی (غیر معصومین) این بود که به جهت رفت و آمد و حتّی خوابیدن در حال ناپاکی، حرمت مسجد نگه داشته نمی شد.

یک روز جناب جبرئیل به حضور پیامبر رسید و دستور «سدّ ابواب»را ابلاغ کردند. معاذ بن جبل مأمور شد تا از عباس عموی پیامبر خدا شروع کند و به تمام مسلمانان

ابلاغ کند که باید درِ خانه هایشان را به مسجد ببندند.

عباس فرمان رسول خدا را پذیرفت امّا وقتی از کنار خانه فاطمه زهرا : رد می شد دید که هر دو نوباوه آن بانوی مطهره در مقابلش دم در نشسته اند. تعجّب کرد در همان حال رسول خدا رسید و از دخترش سؤال فرمود:

چرا اینجا نشسته ای ؟

حضرت زهرا عرض کرد: منتظر فرمان شما هستم که درِ خانه را به مسجد ببندم. حضرت رسول فرمود:

خداوند مرا از این دستور استثنا فرموده است و تو و علی و فرزندان تو نیز همانند خودِ من هستید.

همهمه در میان مسلمانان افتاد .یکی از آنها که وضع را چنین دید اجازه ی باز شدن یک پنجره را خواست؛ امّا رسول خدا اجازه نداد.

آن مرد اصرار کرد که حتی یک روزنه باز بماند، امّیا باز هم رسول خدا مخالفت فرمود. پیامبر با این عمل نشان داد که هیچکس در فضائل خاصِ اهل بیت علیهم السلام نمی تواند شریک باشد حتّی اگر عباس عموی پیامبر باشد.

آن گاه پیامبر چنین فرمود:

ص:۲۰

«به خـدا سوگند، فرمانِ بسـتنِ درِ خانه هایتان به مسـجد، از سوی من نبود. این، امر و فرمانِ الهی بود. همچنان که باز ماندن درِ خانه ی علی علیه السلام نیز دستور الهی بود.

آگاه باشید که خداوند به من فرموده است:

منزلت علی نزد تو همان منزلت هارون است نسبت به موسی

چنان که خداوند به موسـی فرمان داد تا مسجدی بنا کند و جز خودش، هارون و دو پسرِ هارون هیچ کس را اجازه ندهد تا در مسـجد سـکونت کنند، به من نیز فرمان داد تا اجازه ندهم جز خودم، برادرم علی و همسر و دو فرزندش حسن و حسین : کسی در آن ساکن شود.»

ماجرایی را که نقل کرده ایم در این مدارک آمده است :

از مدارک شیعه :

بحارالانوار ج ۳۹ باب ۷۲، ص ۱۹ تا ۳۴

امالی شیخ صدوق، مجلس ۵۴، حدیث ۴ تا ۶

تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام ص ۱۷

علل الشرایع ج ۱، ص ۲۳۸

ص:۲۱

از منابع سنّی :

المستدرک علی الصحیحین ج ۲، ص ۱۳۵

صحیح ترمذی ج ۵، ص ۶۴۰ حدیث ۳۷۳۷

النهایه ابن کثیر ج ۴، ص ۱۰۲

ص:۲۲

جانشین پیامبر

معمول بر این بود که پیـامبر در هر جنگ، کسـی را در مـدینه، منصوب می کرد تا در غیاب حضـرتش، امور مسـلمین را سـر و سامان بخشد.

امّیا در سـال نهم هجرت، وضـعیّت فرق می کرد. امپراطور روم در حال لشکرکشـی گسترده ای برای حمله به مـدینه بود تا کار مسلمانان را یکسره کند.

مکّه به تازگی به تصـرّف مسلمانان درآمده بود. بسیاری از افرادش، هنوز مشرک بودند. منافقان مدینه نیز تحرّکات جدیدی را آغـاز کرده بودنـد. اینـک پیـامبر خـدا دسـتور داده است که همه ی مردم از پیر و جوان، فقیر و غنی، شاغـل و فـارغ، آماده ی حرکت شوند تا به مقابله با رومیان بشتابند. امّا مشکلاتی چند پیش رو بود از آن جمله:

۱ ــ هوا به شدّت گرم بود و حرکت در بیابان خشک و

سوزان، بسی دشوار می نمود.

۲ ــ راه مدینه تا تبوک ــ که نزدیک شام است ــ بسیار طولانی بود.

۳ ــ فصل برداشت محصول بود و مردم کشاورز مایل بودند در شهر بمانند.

۴ - بیم مقابله با رومیان هراس را در دل های مسلمانان افکنده بود .

۵ ــ منافقان مدینه با مشرکان مکّه قصد توطئه داشتند.

با این همه پیامبر تصمیم به حرکت گرفت.

امّا در این شرائط دشوار، چه کسی را در مدینه منصوب کند که بتواند با این همه مشکلات، مدینه را حفظ کند؟

هیچکس جز علی علیه السلام ، فدایی رسول خدا مناسب تر برای این کار نبود امّا منافقان دست به شایعه ای چنین زدند: علی در رفتن به جنگ با رومیان، از دستور رسول خدا سرپیچی کرده است.

امیرالمؤمنین، پس از این شایعه، فوراً سلاح برگرفت و خود را به سرعت به لشکر اسلام رساند، امّا پیامبر اکرم فرمود:

«برادرم! به جایگاه خویش بازگرد که مدینه جز با وجود من یا تو سامان نمی پذیرد. تو جانشین من در میان امّتم هستی.»

و تأکید فرمود:

اَما تَرْضی أنْ تَکُونَ مِنّی بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی إلّا انَّهُ لانَبِیَّ بَعْدی؟

آیا نمی خواهی که منزلت تو نزد من مانند هارون به موسی باشد، جز آنکه بعد از من پیامبری نخواهد بود؟!

این ماجرا، که دلالت صریح بر خلافت حضرت علی علیه السلام دارد در منابع زیر آمده است:

از منابع شیعه:

بحارالانوار ج ۳۷، ص ۲۵۹

ص:۲۵

و از مدارک سنّی :

صحیح بخاری ج ۱۴، ص ۲۴۵

صحیح مسلم ج ۱۵، ص ۱۷۳

صحیح ترمذی ج ۵، ص ۶۴۰

طبقات ابن سعد ج ۳، ص ۱۶

المستدرک علی الصحیحین ج ۳، ص ۱۱۷- ۱۱۸

ص:۲۶

اعتراف دشمن

اگرچه پیشینه ی غدیر را بررسی می کنیم و آنچه آوردیم از منابع تاریخی و حدیثی شیعه و سنی بود؛ امّا در خاتمه ی این بخش، این ماجرا شنیدنی است، آن هم از زبان دشمنی برای دشمن دیگر در فضیلت انسانی والا. آنچه تاکنون آمد، دل هر بیدار دل را متمایل به امیرالمؤمنین می کند و به راستی به مقام والای او معترف می شود.

امّا در مقابل این همه روشنی و وضوح، برای پوشاندن حق و حقیقت، دشمن نیز از تلاش و تکاپو دست نکشیده و در برهه ای از تاریخ، مردم را به لعن این انسان برگزیده ی الهی وادار کرده است.

جالب آن که یکی از کسانی که دستور معاویه را مبنی بر لعن خلیفه و جانشین واقعی رسول خدا اجرا نمی کرد، دوست صمیمی معاویه یعنی سعد بن وقاص بود.

ص:۲۷

یک روز معاویه، علّت را از او جویا شد.

سعد پاسخ داد:

سه سخن از رسول خدا، درباره ی علی شنیده ام که اگر هر کدام از آن ها درباره ی من بود، از شتران سرخ مو برایم قیمتی تر بود.

۱ _ در جنگ تبوک وقتی او را در مدینه باقی گذاشت، به پیامبر عرض کرد ای رسول خدا! مرا با کودکان و زنان می گذاری و اجازه نمی دهی در جنگ شرکت کنم؟ پیامبر به او فرمود: آیا راضی نیستی که منزلت تو نزد من مثل هارون به موسی باشد جز آن که پس از من پیامبری نخواهد بود؟!

۲ _ در جنگ خیبر که مسلمانان نتوانسته بودند قلعه ی محکم خیبر را تصرّف کنند، شنیدم که پیامبر فرمود: پرچم جنگ را فردا به دست مردی می سپارم که خدا و رسولش را دوست دارد.

همه ی ما منتظر بودیم که پیامبر پرچم را به یکی از ما بسپارد. امّا او سراغ علی علیه السلام را گرفت.

گفتیم: چشم علی دردمی کند و برای همین نیامده است.

فرمود: او را حاضر کنید.

وقتی علی علیه السلام حاضر شد، پیامبر از آب دهان مبارکش به چشم او مالید و چشم او فوراً شفا یافت، آن گاه پرچم را به او داد و فتح و پیروزی در آن روز نصیب مسلمانان شد.

۳ _ در ماجرای مباهله بعد از نزول آیه ۶۱ سوره آل عمران پیامبر اکرم، فاطمه و علی و حسنین: را با خود آورد و فرمود:

بارالها! اینان اهل بیت من هستند.

ای معاویه! من خود شاهد و ناظر این سه ماجرا بودم و بنابراین هیچ گاه او را دشنام نخواهم گفت.

معاویه که خود خوب این ویژگی ها را می دانست، سر به زیر افکند و هیچ نگفت

تمام آنچه سعد بن وقّاص به آن اعتراف کرده دلالت بر اهلیت و صلاحیت علی علیه السلام برای خلافت و امارت بر مؤمنین دارد.

این واقعه در منابع زیر آمده است:

_ صحیح مسلم ج ۱۵ ص ۱۷۵

_ سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۳۸

_ المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۱۷

ص:۳۰

کشت_ی نج_ات

داستان طوفان نوح را شنیده اید. در آن ماجرا، حضرت نوح از جانب خداوند فرمان یافت تا یک کشتی بسازد. او، سال های بسیار کوشیده بود تا مردم گم راه و بت پرست را به راه آورَد ؛ اما کافران سر به سرکشی و ستیز برداشته بودند. چند سال طول کشید تا کشتی ساخته شد. آن گاه خداوند به نوح نبی دستور داد تا از هر حیوان یک جفت، سوار کشتی کند و خود و خاندان و پیروانش ــ که مجموعاً حدود هفتاد و پنج زن و مرد بودند ــ نیز به کشتی درآیند و سپس طوفانی بس سهمگین برخاست. از آسمان سیل آسا باران می بارید و از زمین، دریا دریا آب می جوشید. یکی از پسران نوح ــ که کافر بود ــ سوار کشتی نشد. او به پدرش گفت: من به بالای کوه می روم تا از غرق شدن نجات یابم. پسرک نادان نمی دانست که آن عذاب بس عظیم است و

ص:۳۱

هیـچ راهی برای نجـات، جز سـوار شـدن به کشـتی، وجود نـدارد. همه جـا را آب فرا گرفت و همه چیز به زیر آب فرو رفت و غرق شد. تنها، کسانی که سوار کشتی شدند، نجات یافتند.(۱)

با استفاده از همین ماجرای عبرت انگیز، پیامبر خدا سخنی جاودانه فرموده است که باید از آن درس دین بیاموزیم. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، چنین فرموده است :

ای علی ! مَثَل تو در امت من، مَثَل کشتی نوح است.

هرکس سوار آن کشتی شد نجات یافت و هرکس که هم که از سوار شدن بر آن کشتی سربرتافت، غرق شد.

یعنی کسـی که ولاـیت و امامت حضـرت علی علیه السـلام را بپـذیرد، ماننـد آن است که در روزگاری پرآشوب و در دریایی طوفانی، سوار کشتی نوح شده است.

همین مطلب را رسول خدا با بیانی دیگر فرموده است:

ابوذر، دوستدار دیرین و شیعه ی راستین علی علیه السلام ، در

۱- داسـتان حضـرت نوح و ساختن کشتی و ماجرای طوفان، بهتفصیل و در چند جای قرآن آمده است. از جمله ی در سوره ی هودآیات ۳۷ تا ۴۳.

حالی که حلقه ی درِ کعبه را در چنگ می فشرد، می گفت :

هرکس مرا می شناسد که می شناسد و هرکس مرا نمی شناسد، بداند که من، ابوذرم ! از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود:

آگاه باشید ! مَثَل اهل بیت من در میان شما، مَثَل کشتی نوح در میان قوم اوست.

هرکس در آن کشتی درآمد، نجات یافت و هرکس از آن رو برتافت، غرق شد.

تشبیه اهل بیت به کشتی نوح در این منابع آمده است :

* از مدارک شیعه :

بحارالانوار جلد ۲۳ باب هفتم

* از مدارک سنّی :

المستدرک علی الصحیحین. حاکم نیشابوری. جلد ۳ صفحه ۱۶۳ حدیث ۴۷۲۰

ص:۳۳

واق_عه ی غ_دی_ر

ده سـال از هجرت پیـامبر به مـدینه می گـذشت. پیـامبر آهنـگ حـج کرد. خلقی عظیم و انبوه از دور و نزدیک به پیامبر ملحق شدند. در آن چند روز مراسم حج، پیامبر گهگاه، به مناسبتهای مختلف، مطالبی می فرمود. مردم از سخنان رسول خدا دانستند که این آخرین حجّ آن حضرت است.

مراسم حـج پایـان یـافت. آیـات ابتـدائی سوره ی عنکبوت بر پیامبر نازل شـد سـخن از فتنه و ابتلا است. سـخن از امتحان الهی است. امّا این کدام امتحان است که چنین با اهمیت است؟ جبرئیل توضیح می دهد:

ای محمـد! آگـاه باش که تو به زودی به سوی پروردگار خویش در بهشت برین خواهی رفت؛ از این رو، خداونـد به تو فرمان می دهد که پس از خود،

علی بن ابی طالب را به عنوان جانشین خویش در میان امّت منصوب و معین کنی و با او پیمان ببندی که خلیفه و جانشین و قائم مقام تو در میان اسلام و رعیت اسلام باشد. او این مقام الهی را دارا است چه از او اطاعت کنند و فرمانش برند یا آن که سرپیچی کنند و عصیان نمایند. البته دیری نخواهد پائید که از فرمان او سرپیچی می نمایند و این است همان فتنه ای که آیاتش را بر تو خواندم... (۱)

اینک اعمال حج به پایان رسیده است، پیامبر و حاجیان، گروه گروه برای رفتن به خانه و کاشانه ی خود آماده شدند.

جبرئیل در طول راه، نزدیک سرزمین جحفه، این فرمان را آورد:

یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما اُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ

وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ

وَاللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ

إِنَّ اللهَ لایَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ.

۱- بحارالانوار ج ۲۸ ص ۹۶

هان ای رسول! آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شـده به مردم ابلاغ کن که اگر نکنی رسالت خویش را به اتمام نرسانده ای و البته خداوند تو را از دشمنان حفظ می کند. و خداوند بی تردید قوم کافر را هدایت نمی فرماید.

دیگر جای درنگ نبود. همانجا پیامبر دستور توقّف داد. کنار «غدیر خم» (۱) اردو زده شد. برای ابلاغ پیام الهی،

دستور پیامبر این بود: آنان که پیش رفته اند بازگردند تا آنان که نرسیده اند، برسند.

در آن اجتماع بی نظیر، پیامبر با ایراد خطابه ی غدیر، بار دیگر رسـماً علی علیه السـلام را به عنوان جانشین خود به مردم معرفی کرد.

همه می دانستند که ولایت پیامبر براساس آیه ی ۶ سوره ی احزاب از خود مردم بر خودشـان بیشتر است. با این حال از آن ها سؤال کرد:

مردم! مگر نه این است که من نسبت به شما در ولایت و سرپرستی، از خودتان برترم!

۱- غدیر یعنی برکه و آب گیر کوچک. خمّ نام آن برکه بود.

همگی به این حقیقت اعتراف کردند. پس از آن پیامبر فرمود:

مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَوْلاهُ

هر کس من بر او ولایت و سرپرستی دارم اینک این علی مولا و همه کاره ی اوست

آنگاه چنین دعا فرمود:

اللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَ عادِ مَنْ عاداهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ

بارالها دوستدارش را دوست بدار و دشمنش را دشمن بدار

یاورش را یار باش و رها کننده اش را به حال خود واگذار.

هیچکس نماند که نداند پیامبر چه خواست .امّا برای تأکید بیشتر و اتمام حجّت و نیز برای آن که هیچ عذر و بهانه ای نماند، رسول خدا فرمان داد تا همه ی حاضران با علی علیه السلام به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر، بیعت کنند.

حاضران در آن جا، هم بیعت کردند وهم به حضرتش به عنوانِ «امیرالمؤمنین» تبریک و تهنیت گفتند.

ص:۳۷

بعد از این حادثه ی مهم، این آیه نازل شد:

الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نَعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الْاسْلامَ دیناً

امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد

منابع و مدارک فراوانی درباره ی ماجرای غدیر ذکر شده است که علامه ی امینی در جلد یکم کتاب گران سنگ «الغدیر» آن ها را آورده است.

تمامی آن مدارک از کتاب های مهم و مورد استناد اهل سنّت است.

راه علی، راه رستگاری

به این ترتیب، مراسم عید غدیر، بزرگترین عید الهی به اتمام رسید. پس از آن به خاطر هیچ کس خطور نکرد که ممکن است احدی یافت شود تا با خلافت و جانشینی علی بن ابی طالب مخالفت کند.

اما چنان شد که سلمان آن یاور رسول خدا که در حقش «سلمانٌ منّا اهل البیت» گفته شد چنین گفت :

کردید و نکردید.

آری، مردم کردند آن چه نباید می کردند و نکردند آنچه باید می کردند.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

آگاه باشید! سوگند به خداوندی که دانه را شکافت و آدمی را آفرید اگر شما دانش را از معدن آن برمی گرفتید و آب گوارای معرفت را از سرچشمه

ص:۳۹

می نوشیدید و خیر و خوبی را از جایگاهش طلب می نمودید و راه روشن هدایت را می پیمودید و مسیر آشکار حق را درمی نوردیدید، بی تردید راه راست بر شما آشکار می گشت و نشانه های هدایت رخ می نمود و پرتو پرفروغ اسلام را می دیدید، در آن صورت در نعمت غوطه ور می گشتید و دیگر در میان شما نادار و نیازمند یافت نمی شد و هرگز به هیچ یک از مسلمانان و حتی غیر مسلمانانی که در پناه اسلام زندگی می کنند، ظلم و ستمی روا نمی گشت.

امّا شما چنان نکردید و برعکس، در راه های تاریک گام نهادید و دنیا با همه ی وسعت و بزرگی اش بر شما تیره و تار گردید و درهای دانش به رویتان بسته شد و سخن از روی هوای نفس بر زبان راندید و در دینتان به اختلاف افتادید و بی آنکه دانشِ دین داشته باشید به غلط فتوا در دین دادید و از گمراهان پیروی کردید و آنان نیز شما را فریفتند و به گمراهی افکندند.

پیشوایان الهی را وانهادید و آنان نیز شما را ترک کردند و چنان شدید که با پیروی از خواسته ی دل،

ص:۴۰

حکم و فرمان راندید. (۱)

آری، اگر مسلمانان بر آن راه که پیامبر فرموده بود، می ماندند و می رفتند، بی تردید همای سعادت بر سرشان می نشست و راه رستگاری می پیمودند.

اما آن کردند که در جملات اخیر بیانات علی علیه السلام خواندیم.

با خواندن این جملات بار سنگینی بر دلها می نشیند دل های حق طلبی که پیش از این، ندای رسول خدا را بارها و بارها شنیده بودند که به امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بودند : تو برادر من هستی. جانشین و وصیّ من هستی، تو وزیر منی، ادا کننده ی دَیْن من هستی.

این است که همان ابتدا خدای را سپاس گفتیم که ما را از کسانی قرار داده است که به ریسمان استوار و نجات بخش ولایت علوی چنگ زده ایم. اینک بشارت علی علیه السلام را به میثم بشنویم و باز هم خدای را شاکر باشم.

«پس بشارت باد بر شما. بشارت باد بر شما که خداوند شما را به چیزی از این امر (ولایت) و علم

۱- روضه کافی ص ۳۱- ۳۲

رسول خدا مخصوص گردانیده و آن این است که توانسته اید امر ولایت و علم مخصوص رسول خدا را در این مورد برگیرید و تحمل کنید.» (۱)

ص:۴۲

۱- تفسیر فرات کوفی ص ۵۵ ذیل : بقره / ۳۰

وارث غدیـر

همه ی دانشـمندان دین دار و خردمنـد و حق پذیر می دانند و می گویند که رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم در آخرین حجّ خود که «حج خداحافظی» بود، به چند امر بس مهم سـفارش اکید فرمود. یکی از مهم ترین سـفارش های آن حضرت آن بود که فرمود :

هان ای مردم ! من به زودی از میان شما می روم ؛

امّا دو چیز گران سنگ به یادگار می گذارم.

یکی از آن دو، که برتر و بزرگ تر است، کتاب خدا، قرآن است. و آن دیگر، اهل بیت من و خاندان من است.

به هوش باشید ! این دو هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند تا آن که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

ص:۴۳

من در آن روز از آن دو خواهم پرسید که پس از من شما با آن ها چه کردید !

پیامبر خدا این مطلب را چندبار دیگر در روزهای پایانی عمر شریفش بیان فرمود و در آن سخنان از جمله چنین افزود :

آگاه باشید که هرکس به قرآن و اهل بیت من چنگ زد، هرگز گمراه نخواهد شد.

سفارش رسول خدا و تمسّک به قرآن و عترت بسیار جدی است و افتخار شیعیان آن است که به این سخن سدید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گوش دل سپرده اند و پیوسته پیروان قرآن و اهل بیت بوده اند.

در این روزگار، که دوران دشوار غیبتِ آخرین بازمانده ی عترت رسول خداست، منتظرانه چشم به راه ظهور کسی دوخته ایم که به راستی قرآن را در سرتاسر جهان احیا می کند و احکام نورانی و حیات بخش آن را در میان مردم بی پناه و سرگردان برپا می فرماید.

آری، اینک ما دوستداران حضرت حجّه بن الحسن امام عصر علیه السلام منتظریم تا بار دیگر درخشش چشم نواز غدیر را

شاهد باشیم و ظهور عدالت علوی را در پرتو حکومت مهدوی نظاره گر باشیم.

به امید آن روز

گفتنی است که سفارش پیامبر در تمسک به قرآن و عترت که به «حدیث ثقلین» معروف است، در منابع و مآخذ بسیاری از شیعه و سنّی نقل شده است. خواهندگان و خوانندگان گرامی را به کتاب ارزشمند «عبقات الانوار» مجلد مخصوص حدیث ثقلین ارجاع می دهیم. این کتاب را دانشمند بزرگ شیعه مرحوم میرحامد حسین هندی نوشته است. ترجمه ی فارسی آن را نشر نبأ منتشر کرده است.

ص:۴۵

خواننده ی گرامی پس از خواندن کتاب در صورت تمایل به پرسش هایی که در پی می آید پاسخ دهید.

به شرکت کنندگان در مسابقه به قید قرعه در هفته معلم سال ۱۳۷۶ جوایزی اهداء می شود.

لطفآ برگه ی مقابل را پس از پر کردن حدّاکثر تا تاریخ ۲۵/۱۲/۸۶ به این آدرس ارسال فرمایید :

مرکز بسیج فرهنگیان تهران بزرگ

تهران صندوق پستی ۱۳۳ _ ۱۱۴۵۵

ص:۴۶

بسم‌ـه ت‌ـعال‌ـی

نام و نام خانوادگی : نشانی و تلفن :

در مقابل گزینه درست علامت ضربدر (×) بزنید.

۱ ــ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، نخستین بار در کدام واقعه علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی فرمود:

الف : در شب هجرت ب : در دعوت نخستین

ج : در جنگ بدر د: در غدیر خم

۲ ــ در نخستین معرفی، عکس العمل حاضران چه بود ؟

الف : همه بیعت کردند ب : گروهی پذیرفتند

ج : پیامبر را مسخره کردند د : سکوت کردند

۳ ــ رابطه ی مؤمنان به گفته ی قرآن چگونه است ؟

الف : دوستی ب : مهربانی

ج : برادری د : عادی

۴ ــ نسبت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟

الف: پسر عمو و داماد ب : پشتیبان و یاور

ج : جانشین و وارث د : همه ی موارد

۵ ــ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد تا مسلمانان درِ خانه شان رابه مسجد ببندند،چون : الف: مزاحم او بودند ب : دستور خداوند بود

ج : ناپاک بودند د : هیچکدام

۶ ــ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به چه کسانی اجازه داد تا از این قانون مستثنی شوند ؟

الف : علی علیه السلام و خانواده اش ب : عمویش عباس

ج : برخی از اصحاب د : عمویش حمزه

۷ _ منزلت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چگونه است ؟

الف : بسیار بالاست ب : مثل ابراهیم علیه السلام است

ج : مثل هارون به موسی علیهما السلام است د: همه ی موارد

ص:۴۷

۸ _ چرا سعد وقاص حاضر نشد علی علیه السلام را نفرین کند ؟

الف : چون دوست علی علیه السلام بود ب : از علی علیه السلام می ترسید

ج : منزلت علی علیه السلام را می دانست د :از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می ترسید

۹ _ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جانشینی علی علیه السلام را اعلام نمی کرد، چه می شد ؟

الف : دشمنان خوشحال می شدند ب _ سالم می ماند

ج : رسالتش ناقص می ماند د : علی علیه السلام امام نمی شد

۱۰ _ محلی که جانشینی علی علیه السلام اعلام شد :

الف : غدیرخم ب : سرزمین جحفه

ج : کنار یک برکه د : همه ی موارد

۱۱ _ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدا در غدیرخم این موضوع را اعلام کرد :

الف : ولایت خودش ب : ولایت علی علیه السلام

ج : جانشینی علی علیه السلام د : همه ی موارد

۱۲ _ پس از معرفی علی علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کرد ؟

الف : دعا کرد ب : از همه بیعت گرفت

ج : به مدینه رفت د : الف و ب درست است

۱۳ _ پس از اعلام جانشینی علی علیه السلام چه پیامی نازل شد ؟

الف : تکمیل دین ب : اتمام نعمت

ج : رضایت از اسلام د : همه ی موارد

۱۴ _ با غصب خلافت علی علیه السلام ، چه آفت هایی رخ نمود؟

الف : گمراهی ب : نادانی

ج : اختلاف د : همه ی موارد

ص:۴۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹